



جلوه‌هایی از عشق و شور زندگی در جان جهان و جهان جانوران

دکتر جلال ولی الهی

دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
رئیس انجمن علمی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار

درد جدایی است: «از نیستان تا مرا ببردند/ از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند». وقتی که ما عاشق می‌شویم بار دیگر هبوط می‌کنیم. از دامن پر مهر دو ملک به نام پدر و مادر جدا می‌شویم و به سوی محبوب می‌رویم. این ماجرا در این مقال نمی‌گنجد. همان شعر بشنو از نی مولانا، خود داستان شورانگیز عشق است اگر طالب آید! در اینجا به جلوه‌هایی از عشق در زندگی برخی از جانوران اشاره می‌کنیم.

ماهی بادکنکی بدنی شفاف دارد و دیده نمی‌شود تا خورده نشود. اما او نقشی از کهکشان در بستر دریا می‌کشد تا به بشر تفهیم کند که این عالم طراحی دارد. جنس نر ماهی بادکنکی، تورکیون در دریاها و اقیانوس‌ها قهرمان عشق است. او معمار بی‌بدلی است که نقشه کهکشان را در ذهن دارد و نقش آن را به مدت ده روز در بستر ماسه‌ای دریاها ترسیم می‌کند. او این نقشه را به صورت یک خانه یا لانه با برآمده‌گی‌ها و فرورفتگی‌ها و راهروهایی می‌سازد که شاید نقشی از عالم و کهکشان باشد. این ماهی کوچک ۳۱ سانتی‌متری، حدود ۱۰ روز را صرف ساخت این لانه و تزئین آن می‌کند تا ماهی ماده را به تخم‌ریزی در لانه خود تشویق کند. او برای به وجود آوردن پستی‌ها و بلندی‌های لانه بزرگ با قطر دو متر و به شکل دایره‌های هم‌مرکز که شاید نمادی از کهکشان باشد در بستر ماسه‌ای اقیانوس از بدن و باله‌های خود استفاده می‌کند. بعد از ده روز که لانه ساخته شد. او پیش از اینکه ماهی ماده از راه برسد، الگوهای بی‌نظم و عجیبی را روی شن‌های نرم مرکزی لانه ترسیم و بخش‌های برجسته تشکیل‌دهنده حلقه‌های برآمده لانه را با صدف و تکه‌های مرجان تزئین می‌کند (به شکل لانه ماهی بادکنکی توجه فرمایید). با نزدیک شدن ماهی ماده به لانه، ماهی نر شروع به برهم‌زدن شن‌های نرم میانی لانه می‌کند تا توجه او را جلب کند. تنها ابزار او باله‌هایش است. او برای ساخت این لانه طرح ریاضی پیچیده و سه‌بعدی‌ای در سر دارد که باید آن را با قطر

بر بشر معلوم شده است که شش نیرو در این عالم حکمرانی می‌کند. اما فراتر از دیدگاه علوم تجربی، در چشم‌انداز علوم الهی و عرفانی، نیروی عشق است که عالم را می‌گرداند. در جان جهان، جهان جانوران، گیاهان و انسان‌ها نیروی عشق جاری و ساری است. همه عالم تسبیح‌گوی او هستند. از آن اوست آسمان‌ها و زمین و موجودات عالم به از آن او بودن و در تسبیح او بودن قانع‌اند: «يَسْبِخُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (حشر: ۲۴)، «وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ» (روم: ۲۶). الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ يَا نِشَانَ وَالْأَرْضِ وَالْأَسْمَانِ مِنْهُ الْأَسْمَانُ وَالْأَرْضُ وَالْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (روم: ۲۷). همه اجرام، اشیاء و موجودات عالم، چون مهره‌های تسبیح، بر گرد او در چرخش‌اند. موجودات عالم در گردابی بر گرد او می‌گردند، می‌چرخند و در تلاطم‌اند و یا به او نزدیک یا از او دور می‌شوند. اصلاً معلوم شده است که همه جنبش و جلوه‌های عالم مادی در همین از تراز به تراز دیگر افتادن است. الکترون در اوربیتال ابر الکترونیکی از تراز به تراز دیگر می‌افتد و منجر به بروز بی‌شمار جلوه‌های مادی می‌شود. گردش حیات در زمین نیز حاصل این افت‌وخیز الکترون است. همه عالم از ذرات است که در زوجیت‌اند. وقتی ذرات از زوج خود جدا می‌افتند در تلاش‌اند که دوباره به زوجیت برگردند. تلاش گیاهان و جانوران در جلب نظر و رسیدن به زوج خود هزاران هزار جلوه زیبا می‌آفریند. انسان نیز چنین است. او نه تنها در دنیای مادی، بلکه در عالم معنا نیز برای رسیدن به محبوب میلیون‌ها میلیون ماجرا می‌آفریند. به گفته حافظ: «یک قصه بیش نیست غم عشق، وین عجب/ کز هر زبان که می‌شنوم، نامکتر است». ما نیز از تراز به تراز دیگر می‌افتیم. ما یک‌بار از تراز بهشت به تراز زمین افتادیم. از بهشت به زمین هبوط کردیم. در نیستانی شاد و خرم بودیم که به خراب‌آباد زمین افتادیم که خود بهشتی دیگر است، اما نه از جنس بهشت برین بلکه از جنس بهشت زبرین. و از آن روز اگر همه نعمت‌های این زمین هم برای ما فراهم شود گویی چیزی از درون کم داریم و آن

وسط آن خانه‌ای امن درست می‌کند. او بعد از محبوب خود می‌پرسد که آیا مسکن و مأوای او را می‌پسندد و حاضر است در این جزیره با او زندگی کند یا خیر؟



ساختن سد با جویدن تنهٔ زیرین درخت و انداختن آن در دو جهت رودخانه صورت می‌گیرد. ارتفاع این سد ممکن است تا دو متر باشد. سپس سنگ آبی جزیرهٔ بزرگی در وسط دریاچه می‌سازد و خانهٔ امنی هم در میان آن بنا می‌کند؛ کاری که ماه‌ها به طول می‌انجامد. جز عشق و شور زندگی نمی‌تواند کارساز باشد.

دیگر قهرمان رقص و پای کوبی پرندهٔ بهشتی است. او در میان جنگل با صدای بلند آواز می‌خواند که توجه پرندهٔ ماده را جلب کند. البته پرندهٔ ماده نسبت به نر، رنگ‌آمیزی، پرهای بلند و قابل توجهی ندارد. وقتی که پرندهٔ ماده بر درختی در نزدیکی پرندهٔ نر نشست، پرندهٔ بهشتی نر شروع به رقص و پای کوبی می‌کند و همراه با تولید صداها، آوازاها و شکلک‌های عجیب‌وغریب، گاهی بادی به غیب می‌اندازد و چنان گردن خود را کلفت می‌کند تا به ماده نشان دهد که چقدر هولناک و قدرتمند است و می‌تواند از فرزندان خود در برابر دشمنان دفاع کند. پرندهٔ بهشتی ماده، اگر این اداها، رقص و پای کوبی را بپذیرد، وصلت صورت می‌گیرد اما اگر نپذیرد پرواز می‌کند و می‌رود و پرندهٔ نر را با حسرت به حال خود می‌گذارد.



مثال دیگر شاپرک‌ها و پروانه‌ها هستند که با عطر خود توجه محبوب را جلب می‌کنند. محققان شاپرک ماده را در قطار گذاشتند تا ببینند که تا چند کیلومتر آن را از شاپرک نر دور کنند، می‌تواند از روی بویی که شاپرک ماده منتشر می‌کند او را بیابد. در آزمایشی قطار تا ۶۱ کیلومتر رفت ولی شاپرک نر هنوز قادر بود بوی شاپرک ماده را تشخیص دهد!



فیلیم کوتاه خانه سازی ماهی بادکنکی را ببینید.



پرنده بهشتی

۲ متر بسازد. در هیچ جای طبیعت ساختار شگفتی مانند این چیزی که این حیوان می‌سازد وجود ندارد.

این ساختار باور بشر را به چالش می‌کشد. او صدف‌ها را با دهان برمی‌دارد تا دیوارهای لانه را تزیین کند و یا با دهان خود درون دایرهٔ ۲ متری را بسیار تمیز و آماده می‌کند. ماهی ماده اگر لانه و معمار آن را بپذیرد، در مرکز این دایره‌های عجیب تخم‌ریزی می‌کند و مراقبت از تخم‌ها را به ماهی نر می‌سپارد. این بهترین پدر معمار دنیا حدود شش روز باید در لانه بماند تا ماهی‌های کوچک سر از تخم دریاورند.



ماهی سه خار با تلاش زیاد خار و خاشاک زیر آب را جمع و به هم وصل می‌کند و خانه‌ای می‌سازد. این مواد گیاهی به‌وسیلهٔ پروتئین اسبیگین که در کلیه‌های او ساخته می‌شود به هم وصل می‌شوند. او ابتدا گودالی را در زمین زیر آب، حفر می‌کند. سپس لانهٔ کپه مانندی را با خار و خاشاک می‌سازد که دو طرف آن باز است. اگر ماهی ماده بیسندد زیر این خانهٔ کپه‌ای می‌رود و در داخل گودال تخم‌ریزی می‌کند.



سگ آبی در تلاشی مستمر درختان بلندقامتی را به زمین می‌اندازد و در مسیر رود سدی و دریاچه‌ای می‌سازد و در میان آن، جزیره‌ای و در